



عکس ها: ایرنا

# وقتی تلفن تنها همراه زندگی می شود همدمی به نام موبایل

۳۰۰ میلیون  
من خودم هم را آنقدر عوض نمی کنم. ماشینم را سال ۹۵ خریدم و هنوز عوض نکرده ام، موتورم را هم ۴ سال است عوض نکرده ام. راستش ماشین و موتور عدد بالایی دارند اما موبایل را با ۵ میلیون یا ۱۰ میلیون نمی توانی عوض کنی اما رقم خودرو بخصوص الان روی ۲۰۰ یا ۳۰۰ میلیون است

## گزارش

محمد معصومیان

گزارش نویسنده

لحظه ای دوام بیاورند. آدم های این گزارش علاقه مند ان افراطی به خرید موبایل هستند؛ کسانی که در مقابل آخرین مدل های تولیدی غول های فناوری جهان دست به جیب می شوند و خرید می کنند و به قول معروف «نو که می آد به بازار کهنه میشه دل آزار» و سعی می کنند از شر موبایل قدیمی خلاص شوند. این احساس از کجا می آید؟ این خرید و فروش ها چه جنبه هایی دارد؟ مرتضی را در حال گفت و گو با فرورنده موبایل در پاساژ می بینم. چند دقیقه ای به بحث در رابطه با تفاوت های موبایل جدید و مدل پیشین که بین او و فروشنده در جریان است، گوش می دهم. بعد از پایان مکالمه از مرتضی می پرسم چه چیزی باعث شده آنقدر عاشق موبایل باشید؟ او با خنده پاسخ می دهد: «یکی مثل من است که همین ۶ ماه پیش آیفون را عوض کردم و این گوشی را خریدم و قبل از آن هم یک سامسونگ داشتم و قبل آن هم یک سامسونگ دیگر داشتم که به ما «مودی» می گویند. مثلاً از یک گوشی خوشم می آید و فایز را می گیرم و دائم فکر می کنم خوب چه چیزی می توانم بخرم. بعد هم اگر دستم باز باشد می خرم. اگر دستم تنگ باشد سعی می کنم گوشی قدیمی ام را بفروشم و جدید بخرم.» او خود

از عاشق موبایل می داند و یکی از انگیزه هایش همین خرید آخرین مدل گوشی هاست: «بعضی عاشق کیوتو هستند بعضی عشق ماشین دارند، من هم عاشق موبایل هستم.» بعد از رفتن مرتضی فروشنده برای من توضیح می دهد که هر فردی از خرید و فروش موبایل انگیزه ای دارد، یکی از روی عشق این کار را می کند و بعضی هم نمی خواهند از بازار عقب بمانند؛ «یک عده که دیوانه تکنولوژی هستند صرف تجربه کردن این کار را می کنند. با گوشی کار کنند، سروکله بزنند و بالا پایین کنند. اصلاً دیوانه این هستند که گوشی های دراز بکشند و ساعت ها با آخرین مدل گوشی ور بروند. اصلاً معلوم نیست راجع به خودم حرف می زنم؟» می خندد و همکارش که پشت دکل بر مزار عزیزان از دست رفته «الان چند وقت است به سرم زده گوشی جدیدی بخرم که پشت قابش شیشه ای است و صدای رینگتون ندارد و به جای آن با چراغ نشان می دهد که زنگ می خورد.» همین طور که در حال تعریف است به سرعت با گوشی اش، نام آخرین مدل گوشی را جست و جو می کند و با خنده می گوید: «الان به شما نشان بدهم می گویی این دیگر چیست ولی وقتی آدم در معرض می رود رفته است دیگر.» گوشی را

نشانی می دهد و همان لحظه اول یاد کامیون هایی می افتم که همه جای آن پر چراغ است اما به قول او برای یک عاشق موبایل همین چراغ ها جذاب است. از مغازه آنها خارج می شوم و به فروشگاه بزرگ موبایل دیگری می روم که کمی خلوت است. چند جوان باهم برای دیدن موبایل ها و بررسی آنها آمده اند. از صحبت ها پیداست که خوره موبایل هستند. سر صحبت را باز می کنم و شروع می کنند درهم برهم حرف زدن، یکی از آنها تعریف می کند که دیوانه موبایلی شده که در ایران هم کم است و دنبال آن می گردد: «خیلی گوشی خاصی است هم لمسی است و هم پایین آن کیبورد دارد، دوربین خیلی خوبی هم دارد.» بچه ها تعریف می کنند که به خاطر نوسان های اقتصادی دیگر مثل سابق نمی توانند گوشی جدید بخرند اما تمام سعی خود را می کنند تا از هر جایی که شده پول در بیاورند و خرید کنند: «خدا را شکر هنوز مجرد هستیم و می توانیم خرج این کارها بکنیم.» یکی از آنها که مدیر آی تی می گوید: «شرکت خصوصی است، می گوید: «من که همیشه بهترین گوشی ها را می خریدم، پارسال در جلسه ای بودم و دیدم همه آخرین مدل موبایل گرانتیمت در دست دارند، برای اولین بار بود که حس کردم

مثلاً از یک گوشی خوشم می آید و فایز را می گیرم و دائم فکر می کنم خوب چه چیزی می توانم بخرم. بعد هم اگر دستم باز باشد می خرم. اگر دستم تنگ باشد سعی می کنم گوشی قدیمی ام را بفروشم و جدید بخرم

دنیای روی گوشی وابسته نیستند. یک لیست شماره تلفن است که سیوی می کنی و می ریزی روی گوشی جدید. الان فضای مجازی طوری شده که همه فضای ابتری دارند خیلی از شبکه ها روی اینترنت فضا دارند. شماره می زنی بالا می آید. الان همه از این شبکه ها استفاده می کنند که آنها هم ابری هستند. دیگر آدم محدود به پاک شدن دیتا نیست، بعضی آدم ها هستند که حالا برای اینکه مابه تفاوت کمتری باشد سرمایه کنیم این کار را کردیم اما فکر نمی کردم رجیستر نشود و حساسی اعصاب خرد شد. یک بار خواستم مثلاً سود کنم این طور شد. «شاید همه مانند این جمع دوستانه عاشق تکنولوژی نباشند و صرفاً برای نمایش دادن، گوشی آخرین مدل می خرند. این سؤال را از بچه ها می پرسم و یکی از آنها می گوید: «همه جای دنیا چنین آدم هایی هستند که برای کم نیاوردن جلوی دوستان و همکاران موبایل می خرند بدون اینکه بدانند آن گوشی چه قابلیت هایی دارد. مثلاً من فامیلی دارم که اصلاً از در خانه بیرون نمی رود و فقط برای آنکه جلوی آینه عکس بگیرد گوشی می خرد، کاش من هم آنقدر پول داشتم.» در پاساژ دور می زنم و مغازه های موبایل فروشی را تماشا می کنم. مدل های مختلف نو و براق پشت وپنترن ها می درخشند. حتی اگر به قصد خرید هم نیامده باشید با دیدن اینها بدشان نمی آید گوشی موبایل قدیمی خود را عوض کنید. اما گوشی موبایل برای من و شاید بسیاری شبیه یک محیط شخصی است که به بودن در آن عادت داریم؛ گوشی جدیدی شبیه عوض کردن خانه است؛ خانه ای که اطلاعات و عکس ها مانند خاطراتی یک گوشه جا خوش کرده اند و آدم دلش نمی خواهد آنها را به محیط جدیدی ببرد. به یکی از فروشنده گان که خودش هم عاشق موبایل است اینها را می گویم و او می گوید: «یکی از دوستان هست دائم ماشین عوض می کند و از او پرسیدم اذیت نمی شوی دائم ماشین عوض می کنی؟ گفت من دیگر دستم آمده می دائم چطور بخرم و بفروشم. موبایل هم همین است اگر یک بار گوشی بخری و بفروشی دیگر راحت می شوی. از اندروید به اندروید و آی او اس به آی او اس راحت است. ولی حتی اگر از یک بستر به بستر دیگری هم بروی، می بیند خیلی سخت نیست. آتهایی که زیاد گوشی عوض می کنند و مثل من خیلی دیتا نگه نمی دارند، عکس ها را می دارند. بعضی هم اصلاً برای آنها مهم نیست عکس می گیرند و پاک می کنند. راستش همه به

را ارتقا داد نه لب تاپ نو خرید، بهترین کار این است.» همان طور که با آدم های مختلفی که عاشق موبایل هستم حرف می زنم، رد پای دیگرانی را می بینم که آنها را به سمت این تغییر مداوم موبایل سوق می دهند، یکی از آنها که پسر جوان فروشنده ای است، می گوید: «آدم ها خیلی تأثیرگذارند الان اگر شما چند ماه با من بگردید، می بینید گوشی جدیدی خریده اید. می روم توی مخت و دانسم می گویم ۲ تا آشنا دارم که شرایطی قسطی می فروشند داخل کار می گذارم. من ماشینم خراب شد ۶ ماه حوصله نداشتم ببرم تعمیرگاه تا این که یک روز مبلغی که دارند سعی می کنند گوشی بهتر بخرند مگر چقدر می شود از یک گوشی استفاده کرد بالاخره یک روز دیگر سیستم عامل آن ارتقا داده نمی شود و کم کم از دور خارج می شود. محمود که فروشنده است، می گوید: «من تا پیرارسال در مجموع ۹۰ یا ۱۰۰ گوشی داشتم. از ۱۶ سالگی که اولین گوشی را خریدم تا ۲۶ سالگی تقریباً هر ۳ ماه یک بار گوشی عوض می کردم. سالی یا ۵ یا ۶ گوشی داشتم. انگار دنبال یک گمشده ای می گشتم. اما خیلی ها هستند که می گویند اگر امسال گوشی عوض نکنم سال دیگر ۲ سال است که این گوشی آمده است. همچنین بعضی گوشی ها بیشتر افت قیمت دارند و برای همین که افت قیمت نداشته باشند می خواهند امسال گوشی عوض کنند تا سریع کمی هم روی آن بگذارند و گوشی جدیدتری بخرند. بعضی هم هستند وام گرفته اند و یا ۲۰ تومان ته حساب مانده بعد از بین نرود؛ گوشی مرا ۶ تومان می خرند، ۱۰ می گذارم روی این ۴ تومان هم پس انداز دارم ۲۰ تومان گوشی می خرم. این شکلی در واقع می خواهند پول شان را حفظ کنند. با این پول ها نه می شود ماشین



به ما «مودی» می گویند  
چه چیزی باعث شده آنقدر عاشق موبایل باشید؟ او با خنده پاسخ می دهد: «یکی مثل من است که همین ۶ ماه پیش آیفون را عوض کردم و این گوشی را خریدم و قبل از آن هم یک سامسونگ داشتم و قبل آن هم یک سامسونگ دیگر داشتم که به ما «مودی» می گویند. مثلاً از یک گوشی خوشم می آید و فایز را می گیرم و دائم فکر می کنم خوب چه چیزی می توانم بخرم. بعد هم اگر دستم باز باشد می خرم.

## بازاری رو به رشد با حجم مبادله ۳۰ میلیارد دلار صنعت گل در جهان چگونه شکفته شد؟

۷،۲ میلیون دلار  
طبق کتاب رکوردهای جهانی گینس، در بزرگترین چراغ گل و بازار گل جهان، Aalsmeer در هلند، تقریباً ۱۹ میلیون گل هر روز هفته فروخته می شود که معادل تقریباً ۷،۲ میلیون دلار تجارت است

## گزارش

منبع: بی بی سی جهانی

ترجمه: ماندانا ملاعلی

بیماران، برگزاری جشن ازدواج و نامزدی، مناسبت های تقویمی، جشن سال نو، حتی دسته گل، برای تسکین عزاداران و هدیه گل بر مزار عزیزان از دست رفته ... از زمان هایی است که گل به عنوان مهم در بیان احساس ما به عزیزان خویشاوند، دوست و همکار دارد. تعطیلات، وقت شکفتن بازار صنعت گل و گیاه است؛ روزی که در آن یک فروشگاه محلی در یک شهر متوسط اروپایی اغلب می تواند هزاران گل رز را فقط در یک باغچه پیدا کند. اما نقطه آغاز تجارت و فروش گل، قرن هاست که وجود داشته است. اما نقطه آغاز تجارت گل به معنای امروزی آن به قرن هفدهم میلادی برمی گردد، زمانی که هلند شروع به واردات گل لاله از خاورمیانه کرد؛ چرقه ای شیدایی لاله را برانگیخت. چون گل لاله مربوط به دوره ای در عصر طلایی هلند است که قیمت برای بازار معرف شده گل لاله به سطح فوق العاده بالا ترقی کرد و سپس به طور ناگهانی سقوط کرد.



تجارت گل  
تجارت و فروش گل، قرن هاست که وجود داشته است. اما نقطه آغاز تجارت گل به معنای امروزی آن به قرن هفدهم میلادی برمی گردد، زمانی که هلند شروع به واردات گل لاله از خاورمیانه کرد؛ چرقه ای شیدایی لاله را برانگیخت. چون گل لاله مربوط به دوره ای در عصر طلایی هلند است که قیمت برای بازار معرف شده گل لاله به سطح فوق العاده بالا ترقی کرد و سپس به طور ناگهانی سقوط کرد.

یک بازه زمانی ۲۴ ساعته بفروشد. اما صنعت گل فراتر از یک روز است و گل ها چیزی بیس از گیاهانی با ظاهر زیبا و خوشبو هستند. آنها ستون فقرات یک صنعت جهانی هستند که بر اساس برخی تخمین ها، حجم تجارت سالانه آن نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار است و مانند یک گل صد تومانی، هر سال به طور پیوسته به رشد خود ادامه می دهد و این همان چیزی است که ما امروز می بینیم؛ تجارت جهانی گل، با مجموعه قوانین منحصر به فرد خود، شکوفایی قدرت جدید یک صنعت پویا که نیاز فراوانی به سرعت برای جابه جایی محصول خود در سراسر جهان دارد. پس آخرین ته مانده بوی گل های زرد را که گل دانی جای روی پیشخوان آشپزخانه شما به زندگی می چسبند استشمام کنید و ادامه این مطلب را بخوانید:



است که قیمت برای پیاز تازه معرفی شده گل لاله به سطح فوق العاده بالا ترقی کرد و سپس به طور ناگهانی سقوط کرد. چون گل لاله اولین حادثه حساب اقتصادی و یکی از سه حباب اقتصادی بزرگ در تاریخ معاصر اروپا به شمار می آید. حباب بازار گل لاله آمستردام در تاریخ با کتاب همچنان تأثیرگذار «هدیان های مردمی خارق العاده و جنون توده وار» که توسط روزنامه نگار اسکاتلندی چارلز مکی بیش از یک قرن بعد نوشته شد، تثبیت شد. از قرن نوزدهم، بازار گل هلند از طریق بازار حراج Royal FloraHolland در نزدیکی آمستردام، توسعه پیدا کرد تا به بزرگترین ترمنال تجاری جهان که روزانه بیش از ۲۰ میلیون گل و گیاه مبادله می شود. بر اساس گزارش رصدخانه پیچیدگی اقتصادی، هلند همچنان بزرگترین صادرکننده گل شاخه بریده در جهان است و سهم بازار تقریباً ۵۰ درصدی را در اختیار دارد. ۸۰ درصد از گل لاله های جهان از هلند می آیند و سالانه حدود ۲ میلیارد گل لاله به خارج از این کشور صادر می شود. هلند همچنین بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده گل صد تومانی است و بر اساس گزارش مرکز تجارت

بطور میانگین سالانه ۷،۵ درصد افزایش یافته است. برای هماهنگی نیازهای بازار با محصولی که بر اساس غرایز طبیعی خود متولد شده و در بازه زمانی کوتاهی می میرد، یک زنجیره تأمین برای تسهیل انتقال بسیار دقیق و سریع گل ها از مزرعه به وینترین فروشگاه ها پدید آمده است. سیلو مامیاس، مدیر کل تجارت بین المللی گل، می گوید: گل های شاخه بریده - گل هایی که پس از خرید فقط در گلدان ها زندگی می کنند - به ازای هر روز اضافی که در حمل و نقل سپری می شود، ۱۵ درصد از ارزش خود را از دست می دهند و فقط دو هفته عمر تجارت است.

بین المللی (ITC)، این کشور در سال گذشته میلادی بالغ بر ۶۸۱ هزار تن گل شاخه بریده صادر کرده است. زیرساخت مورد نیاز برای تحویل روزانه همه این گل های تازه به تمام گل فروشی ها، سوپرمارکت ها و عمده فروشان جهان بر اساس سرعت ساخته شده است. همان طور که همه ما می دانیم گل ها سرعت پرمزده می شوند و این یعنی در مرکز صنعت چند میلیاردی، محموله گرانبهائی قرار دارد که ارزش آن بسرعت در حال کاهش است. بر اساس یک گزارش، تولید گل در جهان طی دو دهه گذشته